

فصلی نو، برگی تازه

«نقد ادبی غیر نظری، وجود ندارد». در ورای عینی‌ترین و عملی‌ترین شکل‌های نقد نیز تصورات و دلالت‌های ضمنی نظری، نهان هستند. هر کنش و مرام «نقدی»، مسبوق به نظریه‌ای خاص یا ترکیبی از نظریه‌ها و میانی، مفاهیم و مفروضات آنهاست. همین سابقه و صبغه «نظری» است که شأن و وزن مؤلفه‌های درونی / درون‌بود^(۱) و یا زمینه‌ها و عوامل بیرونی را در رویکردهای نقد تعیین می‌کند. با تأمل در نظریه‌ها و آیشخورهای معرفت‌شناختی، فلسفی، جامعه‌شناختی و گفتمانی آنها می‌توان دریافت که چرا و چگونه برخی مؤلفه‌ها و مفاهیم در شکل‌ها و ادوار نقد، به عنصر مسلط یا کانونی بدل می‌شوند و یا از آنها کانونی‌زدایی می‌شود. با این‌همه، سهم و شأن مطالعات نظری با پشتوانه‌های فلسفی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی به نسبت با انبوه مقالات نقد عملی / کاربردی بسیار کم و ناچیز است.

مسأله دیگر عدم وقوف به نظریه‌ها و زمینه‌ها و قواعد کاربست آنهاست. نظریه‌ها مانند دیگر امور عوالم انسانی؛ از سنخ «امکان» (به معنی سلب ضرورت) هستند؛ یعنی شیوه‌هایی از دیدن را پیش می‌نهند و چشم‌اندازهایی را می‌گشایند، اما در بسیاری از موارد وجه «امکانی» آنها نادیده گرفته می‌شود و به‌مثابه اموری الزام‌آور و محتوم تلقی می‌شوند؛ در نتیجه ویژگی‌های گشودگی، بازبودگی، پویایی و منعطف بودنشان را از دست می‌دهند. با فسرده شدن نظریه‌ها در قالب ساختارها، الگوها، نظام‌ها و تصورات قالبی^(۲) و در جریان انتزاع و تجرید امور و صفات مشترک از آثار و متون یگانه و یگانه، خواه و ناخواه ویژگی‌ها و تفاوت‌های آنها نادیده گرفته می‌شود. ولع سیستم‌سازی و الگودازی و میل مفرط به ساده‌سازی «نظریه‌ها» و کاربردی کردن آنها - به قصد تدریس در ساخت آموزشی موجود در دانشگاه‌ها - پیوسته با پیامدهای ناخوشایندی چون خلط مفاهیم تخصصی، مغالطات روش‌شناختی، تقلیل‌گرایی و تعمیم نابه‌جا همراه بوده‌است و گذشته از به راه انداختن بلبشو در میدان نقد و نظریه‌آدبی، تنوع سرشار متون را به نوعی یکنواختی ملال‌آور می‌کشانند. نادیده گرفتن سرشت پویای نظریه‌ها و انعطاف‌پذیری الگوها و درعین حال محدودیت‌ها و زمینه‌های کاربست آنها (بلایی که بر سر بسیاری از نظریه‌ها و الگوها در ایران می‌آید)، منتهی به شکل‌گیری نقدهای مشابه و قالب‌گرفته می‌شود و به هر دوری، موجی از «کاربردهای آسان‌گیر و آسان‌طلب» شکل می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که امروز در بسیاری از موارد شاهد فرمول «یک سایز که به همه بخورد»^(۳) هستیم (بخش عمده‌ای از نقدهای فرمالیستی، ریخت‌شناسی و روایت‌شناسی داستان‌ها، نقد هرمنوتیکی و... به این قانون نانوشته عمل می‌کنند).

با پیش چشم داشتن این مسائل و دغدغه‌ها و به اعتبار برنامه تخصصی شدن مجلات دانشگاهی و شکل‌گیری گرایش‌های مطالعاتی، هیأت تحریریه مجله ادب پژوهی پس از مرور گفتمان‌ها و رویکردهای پژوهشی و بازبینی و سنجش اعتبار و میزان تأثیر مقالات در فضای پژوهشی دانشگاهی و بررسی خلأها و نیازهای این عرصه، مصمم شد تا با بازنگری در راهبرد مجله و در نظر گرفتن تغییرات لازم و مناسب با این هدف، به طور خاص به مقوله نقد و نظریه ادبی و زیر شاخه‌های آن بپردازد. گرچه در حال حاضر چند مجله و در رأس آنها مجله ارجمند «نقد ادبی» (دانشگاه تربیت مدرس) به طرح نظریه و نقد ادبی اهتمام دارند، اما گستردگی و پیچیدگی مسائل این حوزه و شکل‌گیری وسیع مطالعات میان‌رشته‌ای و افزایش چشمگیر مؤلفان و مقالات، ضرورت گسترش کمی و کیفی مجلات و مؤسسه‌های پژوهشی را گوشزد می‌کند. برای بخش مطالعات زبانی نیز مجله تخصصی دیگری با عنوان زبان‌های ایرانی در نظر گرفته شده است که با فراهم آمدن مقدمات لازم، راه‌اندازی خواهد شد. ذیلاً فهرست‌وار به برخی از بایسته‌های تحقیقاتی مجله نقد و نظریه ادبی اشاره می‌شود و در شماره‌های بعدی مفصلاً به این محورها پرداخته خواهد شد:

- مطالعه درباره پیشینه‌ها و پشتوانه‌های فلسفی - معرفت‌شناختی و متدولوژیک نظریه‌های ادبی (فلسفه و نظریه ادبی و ادبیات).
- معرفی نظریه‌های ادبی و زمینه‌های پارادایمی و گفتمانی شکل‌گیری آنها و جایگاهشان در شبکه نظریه‌ها (فرا نظریه).
- بررسی انتقادی گفتمان‌های حاکم بر شکل‌گیری و رواج نقد و نظریه ادبی (گفتمان‌شناسی).
- بازنگری اصول موضوعه و کلیشه‌های نقد و نظریه در ایران (فرانقد).
- تنقیح مبانی و سازوکارهای نقد چندمنظری و میان‌رشته‌ای با تأکید بر مطالعات ادبی در ایران (شناخت مبانی و متدولوژی).
- آسیب‌شناسی سرنوشت مفاهیم و اصطلاحات نقد و نظریه ادبی در ایران (ترمینولوژی).
- معرفی نمونه‌های برتر نقد عینی و انضمامی متون به قلم نظریه‌پردازان و شارحان نظریه‌ها.
- معرفی نظریه‌های جدید یا کم‌تر شناخته‌شده و بیان قابلیت‌ها و محدودیت‌های کاربرد آنها.
- بازخوانی متون و مفهوم‌سازی و تئوریزه کردن داده‌ها و گزاره‌های آنها.
- نقد روشمند و انضمامی آثار و متون قدیم و جدید.

مدیر مسؤل مجله

دکتر علیرضا نیکویی

1. Immanent
2. Stereotypes
3. One size fits all